

پژوهشی درباره زیارت‌های جامعه*

دکتر سید کاظم طباطبایی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

E-mail: tabatabaei @ ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

زیارت پیشوایان معصوم (ع) آدابی دارد. از جمله آن آداب، خواندن زیارتنامه‌ها و اذکار مخصوصی است که از ائمه (ع) به دست ما رسیده است. عالمان امامی این زیارتنامه‌ها و اذکار را در مطاوی کتابهای حدیث یا در مؤلفاتی مستقل ثبت کرده‌اند. در میان زیارتنامه‌های مأثور، زیارت‌هایی هست که با عنوان «زیارات جامعه» شناخته می‌شود. از میان زیارت‌های جامعه، دو زیارت جامعه کبیره و جامعه صغیره از شهرتی ویژه برخوردار است.

نگارنده در این مقاله پس از توصیف زیارت‌های جامعه، با مراجعه به کتب اهل فن مقدار اعتبار و ضعف و قوت این دو زیارت را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که با صرف نظر از صحّت مضامین این دو زیارت، سند زیارت جامعه صغیره از زیارت جامعه کبیره از قوت و استحکامی بیشتر برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زیارت‌های جامعه، زیارت‌های مخصوص، زیارت‌های

* - تاریخ وصول: ۸۲/۱۱/۱۵ ؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۳/۱/۲۵ .

مطلق، زیارت جامعه کبیره، زیارت جامعه صغیره.

۱. درآمد

«زیارت» که واژه‌ای عربی است، مصدر «زَارَ يَزُورُ» و به معنای «برای همدمی و مؤانست یا حاجتی به خانه یا دیدار کسی رفتن» است (أنیس، ذیل واژه مورد نظر) و در فرهنگ و آیین مسلمانان و بویژه شیعیان، رفتن به مشاهد متبرک و بقعه‌ها^۱ و نیز اذکار، اوراد و دعاهایی را که به عنوان تشرّف باطنی برای پیامبران، امامان، امامزادگان و اولیاء خوانند «زیارت» گویند. بنابراین، در نظر فرد مسلمان «زیارت» برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجّت خدا، قرار دادن خویشتن خویش است در حوزه روحانیت و فیض بخشی [پیامبر و] امام» (رکنی، ص ۷). امام علی بن موسی الرضا (ع) درباره زیارت فرموده است:

«هر امامی را پیمانی در گردن اولیا و شیعیانش است. وفای به این پیمان وقتی تمام و کامل است که قبرهایشان زیارت شود. پس کسی که امامان را مشتاقانه زیارت کند و به آنچه مورد خواست و رغبت آنان بوده تصدیق داشته باشد، امامانش در روز رستاخیز شفیع او خواهند بود»^۲.

۱. مشاهد مشرفه حرمت و حکم مسجدها را دارد. زیرا علاوه بر اشمال بر فوائد مساجد، به سبب کسی که در آن مدفون است، شرافتی افزون هم کسب کرده و اذکار و نماز در آن مکانها از برترین طاعات و عبادات است (سید محسن امین، ۲/۲).

۲. رَوِيَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْوَشَاءُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُتُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ، إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أُمَّتَهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه؛ به نقل از مولي محمدتقي مجلسي، روضة المتقين، ۳۶۰/۵؛ همو، عيون اخبار الرضا، ۲۶۰/۲ - ۲۶۱).

در نتیجه می‌توان - و بلکه باید - گفت: «زیارت تجدید پیمان با حجت خدا و استوار گرداندن رشته مؤدّت و اطاعت مأموم نسبت به امام است که پیشوای فکری و علمی می‌باشد» (رکنی، ص ۲۰۸). زیارت آدابی و ترتیبی دارد. از جمله آن آداب، خواندن زیارتنامه‌ها و دعاها و بر زبان راندن اذکار مخصوصی است که از ائمه (ع) بر جای مانده است. عالمان امامی این زیارتنامه‌ها و دعاها را با عین الفاظ و تعبیرات امامان در مطاوی دواین حدیث یا در مؤلفاتی مستقل زیر عنوان «المزار» یا «کتاب المزار» یا «الزیارات» ثبت و ضبط کرده‌اند (درباره این مطلب نک: آقا بزرگ تهرانی، ۳۰۴/۱۳).

۲. زیارت‌های جامعه و وجه تسمیه آنها

در میان این زیارتنامه‌های ماثور زیارت‌هایی وجود دارد که به «زیارات جامعه» مشهور است. این زیارتنامه‌ها را بدان سبب «جامعه» خوانده‌اند که متن آنها به گونه‌ای تنظیم و آموزش داده شده است که می‌توان با خواندن یکی از آنها هر یک از پیامبران و امامان (ع) را از دور یا نزدیک زیارت کرد. بنابراین، این گونه زیارتها ویژه پیامبر یا امام یا مکان یا زمانی خاص نیست. (شهید اول، ص ۲۳۶؛ محمدباقر مجلسی، ۱۲۶/۹۹؛ خوانساری، ص ۹۷؛ شبر، صص ۴۳ - ۴۴؛ امین، ۲۰۸/۲؛ قمی، ص ۸۹۹). زیارتنامه‌هایی که چنین خصوصیتی دارد بسیار است. برخی از مؤلفان کتب ادعیه و زیارات، فقط به آوردن یکی از این زیارتها اهتمام نشان داده‌اند (مثلاً نک: مفید، ص ۱۷۶؛ شهید اول، ص ۲۳۶). اما برخی دیگر، چند فقره از آنها را در کتابهای خویش به ودیعت نهاده‌اند.

پیامبران و امامان (ع) نک: موی محمدتقی مجلسی، همان کتاب، ۳۵۸/۵ به بعد؛ السید محسن الامین، ۲/۲ - ۵. گفتنی است که ترجمه حدیث بالا از کتاب شوق دیدار (ص ۱۱۷) برگرفته شد.

چنانکه ابن بابویه قمی ملقب به «صدوق» دو فقره (من لا یحضره الفقیه، ۶۰۸/۲ - ۶۰۹؛ همو، عیون اخبار الرضا، ۲۷۱/۲ - ۲۷۸)، آقا جمال خوانساری سه فقره (مزار، ص ۱۰۲)، سید محسن امین چهار فقره (مفتاح الجنات، ۲۱۰/۲ - ۲۱۸)، محدث قمی پنج فقره (مفاتیح، ص ۹۱۷) و مولی محمدباقر مجلسی در «باب الزیارات الجامعه» به تعداد پیشوایان معصوم (ع) چهارده فقره (بحار، ۲۰۹/۹۹) از این زیارتها را نقل کرده است. مجلسی پس از نقل آن زیارتها گوشزد می‌کند که زیارت‌های جامعه دیگری هم هست که به سبب موثق نبودن یا تکراری بودن مضامین از آوردن آنها چشم پوشیدیم (همانجا).

در این جا مناسب می‌رسد با کمال ایجاز و با همان ترتیبی که مجلسی دوم در بحارالانوار آورده است به توصیف این زیارتها بپردازد:

۲ - ۱. زیارت اول، که آن را در برابر زیارت «جامعه کبیره»، زیارت «جامعه صغیره» می‌نامند، زیارتی است که امام رضا (ع) آن را در پاسخ پرسش کسانی که درباره چگونگی زیارت امام ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) پرسیده بودند به شیعیان آموخت و فرمود: در مسجدهای پیرامون آرامگاه نماز گذارید و مُجزی است در همه جا، یعنی در زیارت هر یک از ائمه، بگویید: «السلام علی اولیاء الله و اصفیائه، السلام علی امناء الله و احبائه...». این زیارت کوتاه با اسنادهای زیر نقل شده است:

الف - ابن بابویه از ابن الولید از صفار از علی بن حسان از امام رضا (ع) (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۶۰۸/۲؛ همو، عیون اخبار الرضا، ۲۷۱/۲. قس: همو، مشیخه الفقیه، ۵۳۱/۴).

ب - ابن قولویه از محمد بن حسین متّ جوهری از ابو جعفر محمد بن احمد اشعری قمی از هارون بن مسلم از علی بن حسان از امام رضا (ع) (ابن قولویه، ص ۳۱۵).

ج - کلینی از محمد بن یحیی از اشعری از هارون بن مسلم از علی بن حسان از

امام رضا (ع) (کلینی، ۵۷۸/۴؛ نیز نک: الطوسی، تهذیب، ۱۰۲/۶؛ مفید، ص ۱۷۶؛ شهید اول، ص ۲۳۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ۱۲۶/۹۹ - ۱۲۷؛ خوانساری، صص ۹۵ - ۹۶؛ قمی، ص ۸۹۹. درباره شرح بعضی از مواضع این زیارت نک: مجلسی، همانجا).

۲ - ۲. زیارت دوم، که دارای متنی بلند و همان است که به «زیارت جامعه کبیره» شهرت دارد، به نقل از امام هادی (ع) است. صدوق از دقاق و سنانی و وراق و مکتب و آنان جملگی از محمد بن ابی عبدالله کوفی و ابوالحسین اسدی و آن دو به نوبه خود از محمد بن اسماعیل برمکی از موسی بن عمران (یا عبدالله. نک: خویی، ۵۲/۱۹) نخعی حدیث کرده‌اند که گفت: به علی بن محمد (ع) گفتم: ای زاده رسول خدا، به من سخنی بلیغ و کامل بیاموز تا وقتی خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بر زبان رانم. پس آن امام فرمود: چون به درگاه روضه رسیدی بایست و در حالتی که باید با غسل باشی شهادتین بگو. آنگاه چون داخل قبه شدی و قبر را دیدی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو. پس از آن با سکینه (آرامش دل)^۱ و وقار (آرامش تن)^۲ و با گامهای کوتاه و آهسته اندکی پیش برو. بعد بایست و سی مرتبه [دیگر] الله اکبر بگو. پس از آن به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه الله اکبر بگو تا صد مرتبه کامل شود. آنگاه بگو «السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و موضع الرسالة...» (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲۷۲/۲ - ۲۷۸؛ همو، من لا یحضره الفقیه، ۶۰۹/۲؛ طوسی، تهذیب، ۹۵/۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ۱۲۷/۹۹ - ۱۳۴؛ خوانساری، ص ۵۹ به بعد؛ قمی، ص ۹۰۱ به بعد؛ عطاردی، صص ۲۴۷ - ۲۵۲). گویا سبب این تکبیرهای بسیار آن باشد که زائران از تعبیرات و مضامین امثال این زیارت، به غلو گرفتار نشوند یا از بزرگی حق غافل نمانند و از اصل استوار «توحید» منحرف نشوند. (قمی، ص ۹۰۱؛ رکنی، ص ۳۲۳).

۱. خوانساری، مزار، صص ۵۹ - ۶۰.

۲. خوانساری، همانجا.

۲ - ۳. زیارت سوم، که با زیارت «جامعه کبیره» در الفاظ اختلافاتی دارد و از آن مبسوط‌تر است و معلوم نیست از زبان کدام یک از امامان (ع) نقل شده است (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۶/۹۹ - ۱۵۹). مجلسی دوم درباره این زیارت گوید: «چون من این زیارت را در اصلی مصحح و کهن که آن را در آغاز کتاب خود «کتاب عتیق» نامیدم مبسوط‌تر و با اختلافاتی در الفاظ آن دیدم، دوست دارم آن را نقل کنم» (پیشین، ۱۴۶/۹۹).

۲ - ۴. زیارت چهارم، این زیارتنامه که نسبتاً کوتاه است از زبان امام صادق (ع) برای زیارت امام حسین (ع) و دیگر امامان نقل شده است. سند این زیارت چنین است: ابن قولویه از پدرش و گروهی از استادانش به واسطه محمد عطار و نیز ابن قولویه از محمد بن حسین بن متّ جوهری و آنان جملگی از اشعری از علی بن حسان از عروه بن اسحاق ابن اخی شعیب عقرقوفی از «کسی که آن را ذکر کرده» از امام ابی عبدالله [= امام صادق] حدیث کرده‌اند که گفت: هرگاه به نزدیک قبر حسین بن علی (ع) آمدی، این جملات را که در کنار آرامگاه هر امام دیگری نیز مجزی است می‌توانی بگویی: «السلام علیک من الله، السلام علی محمد امین الله علی رسله...» (ابن قولویه، صص ۳۱۶ - ۳۱۹؛ محمدباقر مجلسی، ۱۶۰/۹۹ - ۱۶۲). گفتنی است که در سند این زیارت دو اشکال به چشم می‌خورد: یکی اینکه عروه بن اسحاق امامی، اما ناشناخته است (خویی، ۱۳۸/۱۱). دیگر اینکه راوی زیارت از امام صادق (ع) نامش در سلسله سند مذکور نیست و در نتیجه اسناد زیارت «مرسل» است.

۲ - ۵. زیارت پنجم، زیارتنامه‌ای بلند است که سید بن طاووس و مؤلف المزار الکبیر روایت کرده و گفته‌اند: این زیارت از ائمه (ع) روایت شده است. ولی معین نکرده‌اند کدام یک از امامان (ع) آن را به شیعیان خود تعلیم داده‌اند (محمدباقر مجلسی، ۱۶۲/۹۹ - ۱۷۶). آغاز این زیارت چنین است: «السلام علیکم ائمه المؤمنین و سادة

المتّفين...».

۲ - ۶. زیارت ششم، که همان زیارت معروف «امین الله» است. ابن طاووس با اسانیدی چند از جابر جُعیفی از امام باقر (ع) روایت کرده است که پدرم علی بن الحسین (ع) سوی مشهد امیرالمؤمنین رفت و در کنار آرامگاه ایستاد. آنگاه گریست و گفت: «السلام علیک یا امین الله فی ارضه...». بنا به نقل ابن طاووس امام باقر (ع) فرموده است: «هر کس از شیعیان ما این زیارت را در کنار آرامگاه امیر مؤمنان (ع) یا یکی از ائمه بخواند، آن را در نامه‌ای از نور بالا برند و مُهر محمد (ص) بر آن زنند و آن را محفوظ دارند تا به قائم تسلیم کنند تا سرانجام با بشارت و تحیّت و کرامت صاحبش را ملاقات کند». (ابن طاووس، صص ۲۴۵ - ۲۴۶؛ محمدباقر مجلسی، ۱۷۶/۹۹ - ۱۷۷؛ قمی، ص ۵۷۵). این روایت حاکی است که هم امیرالمؤمنین (ع) و هم دیگر امامان (ع) را با این زیارتنامه می‌توان زیارت کرد. پس این زیارت هم از زیارت‌های مطلق و هم از زیارت‌های مخصوص روز غدیر (شهید اول، ص ۱۴۹؛ کفعمی، ص ۶۳۸) و هم از زیارت‌های جامعه است (امین، ۴۲/۲؛ قمی، ص ۵۷۷؛ قس: خوانساری، صص ۹۸ - ۱۰۲). درباره اهمیت این زیارت، مجلسی دوم گفته است: این زیارت از نظر متن و سند بهترین زیارت‌هاست. پس شایسته است مؤمنان در همه روضات مقدّس ائمه بر آن مواظبت و اهتمام داشته باشند (قمی، ص ۵۷۵؛ امین، ۴۲/۲ - ۴۴).

۲ - ۷. زیارت هفتم؛ ابن طاووس گوید: این زیارت از ابو الحسن ثالث [= امام هادی] روایت شده است. در آغاز اذن ورود می‌گیری. سپس پای راست را مقدّم بر پای چپ گذاشته داخل می‌شوی و می‌گویی: «بسم الله و بالله و علی ملّة رسول الله...» (ابن طاووس، صص ۲۴۶ - ۲۵۱؛ محمدباقر مجلسی، ۱۷۸/۹۹ - ۱۸۷؛ عطاردی، صص ۲۵۳ - ۲۵۹). مجلسی پس از نقل این زیارت اظهار داشته است: «به نظر می‌رسد آنچه سید ذکر کرده روایتی واحد [و یکپارچه] نیست، بلکه او روایتها را با هم

جمع و تألیف کرده است» (بحارالانوار، ۱۸۷/۹۹).

۲ - ۸. زیارت هشتم؛ ابن طاووس این زیارت را ذکر کرده و گفته است: این از سخنان امام رضا (ع) است. به گمان مجلسی دوم، او این زیارت را از خبری که عبدالعزیز بن مسلم درباره فضل و صفات امام از زبان امام رضا (ع) روایت کرده فراهم ساخته و سامان داده است. ولی چندان که باید از عهده تألیف آن برنیامده است (بحارالانوار، همانجا). ابن طاووس گوید: «چون خواستی که یکی از امامان را زیارت کنی در برابر ضریح او بایست و بگو: «السلام علی القائمین مقام الانبیاء، الوارثین علوم الاصفیاء...» (محمدباقر مجلسی، ۱۸۷/۹۹ - ۱۹۰).

۲ - ۹. زیارت نهم؛ این زیارتنامه را هم ابن طاووس در کتاب *مصباح الزائر* آورده و گفته است: «در برابر ضریح امام مزور^۱ می ایستی و می گویی: «اللهم انی اسئلك یا رافع السموات المبنیات...» (صص ۲۵۴ - ۲۵۶؛ نیز: محمدباقر مجلسی، ۱۹۱/۹۹ - ۱۹۴). مجلسی پس از نقل متن این زیارت اظهار می دارد: شاید این زیارتنامه از مؤلفات وی [= ابن طاووس] یا امثال وی باشد. همچنان که ساختار و نظام آن بر چنین احتمالی گواهی می دهد (بحارالانوار، ۱۹۵/۹۹).

۲ - ۱۰. زیارت دهم؛ شیخ طوسی از طریق ابن عیاش گوید: خیر بن عبدالله از مولای خود ابوالقاسم حسین بن روح برایم حدیث کرد که گفت: هر یک از مشاهد را که در ماه رجب در کنارش باشی زیارت کن. چون داخل شدی بگو: «الحمد لله الذی أشهدنا مشهده اولیائه فی رجب و اوجب علینا فی حقهم ما قد وجب» (طوسی، *مصباح المتهجد*، ص ۵۷۲؛ محمدباقر مجلسی، ۱۹۵/۹۹). گفتمی است که این زیارت همان است که به «زیارت رجبیه» شهرت دارد (قمی، ص ۲۲۶) و محدث قمی نیز آن را زیر عنوان «زیارت پنجم جامعه» آورده است (*مفاتیح الجنان*، ص ۹۱۷).

۱. یعنی: زیارت شونده.

۲ - ۱۱. زیارت یازدهم؛ مجلسی دوم که از این زیارت به عنوان «زیارت مصافقه»^۱ یاد کرده است می‌نویسد: در نسخه‌ای کهن از مؤلفات عالمان امامی مطلبی یافتیم که عین عبارت آن چنین است: «تنی چند روایت کرده‌اند که زیارت سروران ما (ع) در حقیقت تجدید پیمان و میثاق مأخوذی است که بر گردن بندگان است. راه و روش زیارت این است که زایر به هنگام زیارت امامان (ع) بگوید: جئتک یا مولای زائراً لک و مسلماً علیک...». در پایان گوید: آنگاه دو رکعت نماز زیارت به جای می‌آوری و باز می‌گردد. اگر چنین کنی زیارت به سان عهد و میثاق تازه باشد. آنگاه مجلسی گوید: برخی از متأخران این زیارتنامه را عیناً از شیخ مفید نقل کرده‌اند (بحارالانوار، ۱۹۷/۹۹ - ۱۹۸).

۲ - ۱۲. زیارت دوازدهم؛ مجلسی گوید: این زیارتی است که آن را در همان کتاب مذکور دیدم. گمان می‌رود که این از مؤلفات عالمان و غیرمنقول از ائمه باشد. این زیارت چنین آغاز می‌شود: «السلام علی كافة الانبياء و المرسلین، السلام علی حجج الله علی العالمین...» (پیشین، ۱۹۸/۹۹ - ۲۰۴).

۲ - ۱۳. زیارت سیزدهم؛ این زیارت نیز از همان کتاب کهن پیشگفته مأخوذ است. آغاز این زیارت چنین است: «السلام علیکم یا سادة المؤمنین و ائمة المتقین...» (پیشین، ۲۰۴/۹۹ - ۲۰۷).

۱. «مصافقه» به معنای دست به دست هم زدن دو کس به هنگام داد و ستد به نشانه اعلام موافقت است. در قدیم رسم بر این بوده است که بیعت کننده و بیعت شونده، بسان خریدار و فروشنده، در مقام بیعت دست در دست هم می‌نهادند. در این زیارت آمده است: دست راستت را بر قبر می‌نهی و می‌گویی: «هذه یدي مصافقة لك علي البيعة الواجبة علينا. فاقبل ذلك مني يا امامي». (یعنی: این دستان من است که به نشانه بیعتی که بر ما واجب است به سوی تو دراز می‌کنم. ای پیشوا، آن را از من بپذیر). بدین سبب این زیارت را «مصافقه» خوانده‌اند.

۲ - ۱۴. زیارت چهاردهم؛ این یکی نیز از همان نسخه کهن پیشگفته منقول است. در آن کتاب گوید: اذن دخول می‌گیری و می‌گویی: «السلام علیکم یا محال معرفه الله، السلام علیکم یا مساکن برکه الله...» (محمدباقر مجلسی، ۲۰۷/۹۹ - ۲۰۸).

۳. نسبت این زیارتها با یکدیگر

از رهگذر مقایسه متن این زیارتنامه‌ها با یکدیگر به روشنی می‌توان دریافت که نسبت بیشتر این زیارتها با هم «عموم و خصوص من وجه» است. بدین معنا که در عین اشتراک در پاره‌ای از مواضع و فقرات در مواضعی دیگر با هم اختلاف دارند.

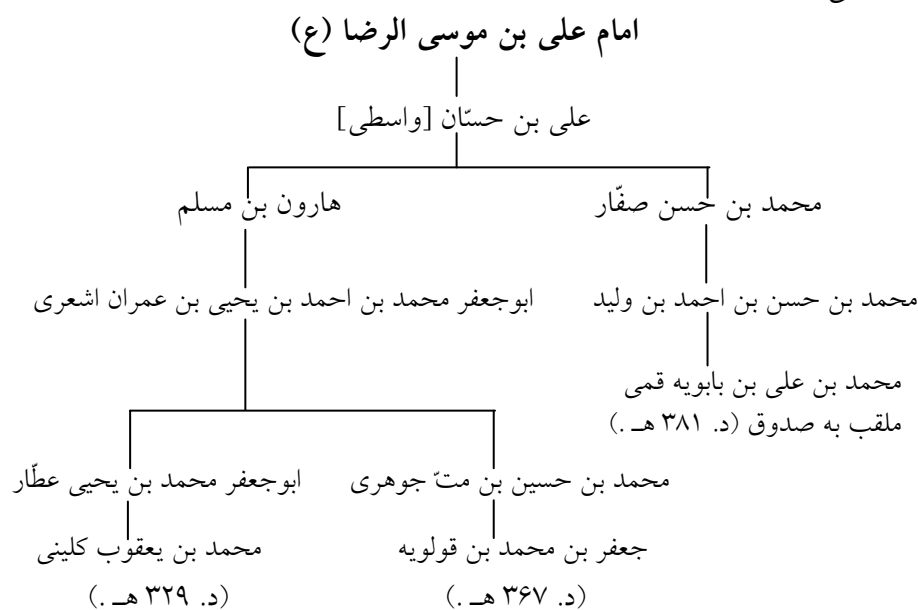
۴. داوری مجلسی دوم درباره این زیارتها

مجلسی پس از نقل زیارتهایی که در سطور بالا توصیف شد، بی‌آنکه دلیل یا دلایل خود را بیان کند، در مقام ارزیابی و داوری درباره آنها می‌گوید: «در این کتاب به عدد معصومین - صلوات الله علیهم - چهارده زیارت جامعه آوردم. ولی برترین و موثق‌ترین آنها دومی [یعنی زیارت موسوم به جامعه کبیره] است و پس از آن به ترتیب زیارت اول [یعنی زیارت جامعه صغیره]، چهارم، پنجم، ششم [یعنی زیارت امین‌الله]، هفتم، دهم و سوم است (۲۰۹/۹۹). از این رو در ادامه مقاله بررسی خود را بر محور زیارت اول و دوم، یعنی زیارت جامعه صغیره و جامعه کبیره متمرکز می‌کند.

۵. اعتبار زیارت جامعه صغیره از لحاظ سند

به نظر می‌رسد درباره صحّت مضامین زیارت «جامعه صغیره» جای سخنی نباشد. زیرا درون مایه این زیارت با مضامین قرآن و سنّت صحیح هماهنگی کامل دارد. بطوری که بسا صحّت این مضامین، ما را از بررسی سندی نیز بی‌نیاز گرداند. در عین حال، از باب پیروی از سنّت علما و برای اطمینان بخشی بیشتر به بررسی سندی زیارت مزبور می‌پردازد. در صفحات پیشین از نظر خوانندگان گذشت که زیارت جامعه صغیره در بسیاری از مجموعه‌های حدیثی شیعه، از جمله در کافی، من لا یحضره الفقیه و

تهذیب درج افتاده است. برای سهولت بحث و نیز برای آنکه خوانندگان ارجمند از اسناد این زیارت تصویر روشنی در ذهن داشته باشند، آن را به صورت نمودار زیر نشان می‌دهد:



از نمودار بالا به روشنی هویداست که راوی کلیدی در اسناد این زیارت همانا **علی بن حسان** است. پس قبل از همه باید درباره او سخن گفت. در اسناد روایات شیعه، دو تن به نام علی بن حسان به چشم می‌خورد. یکی علی بن حسان هاشمی (وابسته محمد بن علی بن عبدالله بن عباس) که او را فاسد الاعتقاد، ضعیف، کذاب و در زمره غلات معرفی کرده‌اند (خویی، ۳۱۱/۱۱ - ۳۱۲) و دیگری علی بن حسان واسطی که او را ثقه و شایسته اعتماد دانسته‌اند (پیشین، ۳۱۲/۱۱ - ۳۱۳). شاید سبب اینکه مجلسی دوم اسناد این زیارت را «ضعیف» یا «مجهول» ارزیابی کرده است (ملاذ الاخیار، ۲۷۹/۹؛ همو، *مرآة العقول*، ۳۰۴/۱۸)، همین اشتراک و همنامی میان ثقه و غیرثقه باشد. اما از قراین به نظر می‌رسد این علی بن حسان که در اسناد زیارت جامعه

صغیره واقع شده است، واسطی باشد (نک: ابن بابویه، *مشيخة الفقيه*، ۵۳۱/۴). چون بنا به گفته ابن الغضائری، علی بن حسان هاشمی فقط از عموی خود عبدالرحمن بن کنیز روایت می‌کند (پیشین، ۳۱۲/۱۱، ۳۱۵). در نتیجه با اطمینان می‌توان گفت روایت این علی بن حسان پذیرفته و موثق است (پیشین، ۳۱۳/۱۱؛ امینی، *هامش کامل الزیارات*، ص ۳۱۵).

اما طریق صدوق به علی بن حسان به تصریح رجال شناسان صحیح است (خویی، ۳۱۵/۱۱). زیرا آنان محمد بن حسن صفار را فردی «ثقه و عظیم القدر» و طریق صدوق را به او صحیح دانسته‌اند (پیشین، ۲۴۸/۱۵). محمد بن حسن بن احمد بن ولید نیز در غایت وثاقت است. چون رجال شناسان او را با تعبیراتی مانند: «ثقه ثقه، عین، مسکون» الیه، عارف بالرجال و موثق به» ستوده و توثیق کرده‌اند (پیشین، ۲۰۶/۱۵). در طریق کلینی نیز نه تنها مشکلی به چشم نمی‌خورد، بلکه اسناد او هم صحیح است (محمدتقی مجلسی، ۴۴۹/۵). زیرا هارون بن مسلم ثقه و از بزرگان شیعه است (پیشین، ۲۲۹/۱۹). ابوجعفر محمد بن احمد اشعری نیز بنا به گفته شیخ طوسی جلیل القدر و پر روایت (پیشین، ۴۶/۱۵) و بنا به تصریح نجاشی در حدیث ثقه است. جز اینکه از ضعف روایت می‌کند و به مراسیل اعتماد می‌ورزد. ولی به خود او خرده‌ای نمی‌توان گرفت (پیشین، ۴۴/۱۵). ابو جعفر محمد بن یحیی عطار هم از مشایخ کلینی است و کلینی از او بسیار روایت می‌کند (پیشین، ۴۰/۱۵) و نجاشی او را با تعبیراتی چون: «بزرگ یاران ما در زمان خود، ثقه، عین و کثیر الحدیث» ستوده است (پیشین، ۳۰/۱۸). فقط در طریق ابن قولویه ممکن است یک نقطه ابهام به نظر برسد. زیرا درباره محمد بن حسین بن مت جوهری که از مشایخ ابن قولویه است، خبری مبنی بر مدح یا ذمّ به دست ما نرسیده است (پیشین، ۱۸/۱۶؛ امینی، همانجا). ولی به نظر نگارنده، چون جعفر بن قولویه خود از ثقات و در حدیث و فقه از بزرگان امامیه بوده است (خویی، ۱۰۶/۴ - ۱۰۷)، این

ابهام مشکلی پیش نمی‌آورد. بویژه آنکه زیارت مزبور عیناً از طریق صدوق و کلینی نیز با اسناد صحیح به ما رسیده است.

۶. زیارت جامعه کبیره

در میان زیارت‌های جامعه، بی‌تردید «زیارت جامعه کبیره» از شهرتی بیشتر برخوردار است. بطوری که غالباً عنوان «زیارت جامعه» به همین زیارت انصراف دارد. از همین رو درباره این زیارت با تفصیلی بیشتر سخن باید گفت.

۶-۱. درون مایه زیارت جامعه کبیره

همچنان که محتوای غالب زیارتها آمیزه‌ای از تعالیم خداشناختی و امام شناختی است، این زیارتنامه نیز شامل بلیغ‌ترین توصیف و کامل‌ترین نعت و بیان فضیلت ائمه هدی (ع) و حاوی بهترین معانی توحیدی و یکتاپرستی است. تا آنجا که به صورتی روشن و بیانی رسا ارتباط توحید و امامت را نشان می‌دهد و فضایل ائمه همه را عطیه الهی و تفضل پروردگار معرفی می‌کند. در این زیارت نام جلاله «الله» بسیار تکرار می‌شود و به ذهن می‌نشیند و دیده دل را به روی غیرخدا می‌بندد. بطور خلاصه می‌توان گفت: توصیف کامل و معرفی جامع خاندان رسالت، بیان معارف الهی و مفاهیم توحیدی، شهادت به فضایل ائمه، دعا و درخواست از خدا، پذیرش ولایت و توالی به ائمه نور و معرفت و تبراً از ائمه نار خمیر مایه زیارت جامعه را تشکیل می‌دهد (برای آگاهی بیشتر نک: رکنی، صص ۳۴۳ - ۳۴۴، ۳۵۱ - ۳۵۳، ۳۶۵، ۳۷۸؛ شبّر، صص ۳۹ - ۴۰). به دیگر سخن، امام (ع) در این زیارت «شمه‌ای از مقامات ولایت» را اظهار فرموده است (امام خمینی، ص ۴۳).

۶-۲. شروح زیارت جامعه کبیره

چون در زیارت جامعه کبیره جمله‌ها و عباراتی متشابه به چشم می‌خورد که به شرح و توضیح و بیان نیاز دارد، تنی چند از دانشمندان و اهل فنّ به شرح آن مواضع و بیان مراد آنها اهتمام نشان داده و کوشیده‌اند مواضع دشوار یا چند پهلوی آن را روشن سازند. اهمّ آن شرحها از این قرار است:

۶ - ۲ - ۱. شرح مولی محمد تقی مجلسی (د. ۱۰۷۰ هـ. ق.). در خلال کتاب *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه* (۴۵۱/۵ - ۴۹۹). وی این زیارت را در کتاب *لوامع صاحبقرانی*، که شرح فارسی کتاب *من لا یحضره الفقیه* است، نیز شرح و تفسیر کرده است.

۶ - ۲ - ۲. شرح مولی محمد باقر مجلسی (د. ۱۱۱۰ هـ. ق.). در خلال *بحارالانوار* (۱۳۴/۹۹ - ۱۴۴) که شرحی نسبتاً موجز است. وی فقط بعضی از لغات و مواضع مشکل را شرح داده و بنا به اظهار خودش برای پرهیز از اطاله نتوانسته حقّ آن را به شایستگی بگزارد. (۱۴۴/۹۹). مجلسی این شرح را در *ملاذّ الاخیار* (۲۴۷/۹ - ۲۷۸) نیز تکرار کرده است. علاوه بر آن شرح، وی ترجمه‌ای هم از این زیارت به فارسی سامان داده است (نوری، *الفیض القدسی*، ضمیمه *بحارالانوار*، ۵۱/۱۰۲؛ مهدوی دامغانی، ص ۱۵۰).

۶ - ۲ - ۳. ترجمه و شرح زیارت جامعه به فارسی به خامه آقا جمال خوانساری (د. ۱۱۳۵ هـ. ق.). در کتاب *مزار* (صص ۵۹ - ۹۵). وی این ترجمه و شرح را برای شاه سلطان حسین صفوی (حک. ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ هـ. ق.) نگاشته است (همان، ص ۸).
۶ - ۲ - ۴. *الاعلام اللامعه فی شرح زیارة الجامعه* به خامه سید محمد بن عبدالکریم طباطبایی بروجردی جلد سید مهدی بحر العلوم و خواهرزاده علامه مجلسی.

۶ - ۲ - ۵. *شرح الزیارة الجامعه الکبیره* به خامه شیخ احمد بن زین الدین احسائی (د. ۱۲۴۱ یا ۱۲۴۳ هـ. ق.). در ۴ مجلد. این شرح مفصل‌ترین و عالمانه‌ترین شرحی

است که بر این زیارت نگاشته شده و مؤلف در سال ۱۲۳۰ از تألیف آن فراغت یافته است. این شرح بارها به چاپ رسیده است (نک: منابع).

۶ - ۲ - ۶. *الانوار اللامعه* به خامه سید عبدالله بن محمدرضا شبر حسینی (د. ۱۲۴۲ هـ.ق.). این شرح که مکرراً به چاپ رسیده به نام *یا اختران تابناک* به فارسی نیز ترجمه شده است.

۶ - ۲ - ۷. شرح فارسی موسوم به *الشموس الطالعہ* به قلم سید حسین بن محمدتقی همدانی (د. ۱۳۴۴ هـ.ق.).

۶ - ۲ - ۸. شرح زیارت جامعۀ کبیره به زبان فارسی از محمدهادی فخر المحققین شیرازی (انتشارات فدک، مشهد)^۱.

۶ - ۳. اعتبار زیارت جامعۀ کبیره

پیش از اینکه در این باره سخنی بگوئید، مناسب می‌بیند اسناد این زیارت را با نمودار زیر نشان دهد:

امام علی بن محمد هادی (ع)



موسی بن عبدالله (یا عمران) نخعی



محمد بن اسماعیل برمکی



محمد بن ابی عبدالله کوفی

و

۱. برای آگاهی از دیگر شروح نک: آقا بزرگ تهرانی، *الذریعه*، ۱۳/۳۰۵ - ۳۰۶.

ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی



علی بن احمد بن موسی (یا محمد) دقاق

و

محمد بن احمد سنانی

و

حسین بن ابراهیم بن احمد کاتب (یا مکتب)

و

علی بن عبدالله وراق



ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه ملقب به صدوق (د. ۳۸۱ هـ.ق.)



ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (د. ۴۶۰ هـ.ق.)

مجلسی دوم بدون اینکه ادله و مستندات خود را برای ما شرح دهد، درباره اعتبار زیارت جامعه کبیره چنین داوری می‌کند: «این زیارتنامه صحیح‌ترین زیارتنامه‌ها از نظر سند و جامع‌ترین و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین و والا مرتبه‌ترین آنهاست.^۱» (بحارالانوار، ۱۴۴/۹۹؛ همو، ملاذ الاخیار، ۲۷۸/۹؛ قمی، مفاتیح، ص ۹۱۱). اما باید دانست، این زیارتنامه بر طبق اصطلاح حدیث شناسان امامی در سده‌های میانی و متأخر مهمل^۲

۱. «... انّها اصحّ الزیارات سنداً و اعثها مورداً و افضحها لفظاً و ابلغها معنی و اعلاها شاناً».

۲. مهمل حدیثی است که بعضی از رجال سند آن در کتابهای رجال ذکر نشده یا ذکر شده ولی وصفی از آنان نشده

و ضعیف‌الاسناد است. چنان که مجلسی خود نیز اسناد آن را «مجهول»^۱ ارزیابی کرده است (ملاذ/الاحیاء، ۲۴۷/۹). زیرا موسی بن عبدالله [یا عمران] نخعی (ابن بابویه، فقیه، ۶۰۹/۲؛ طوسی، تهذیب، ۹۵/۶. قس: ابن بابویه، عیون، ۲۷۲/۲. نیز نک: خویی، ۵۲/۱۹) که راوی زیارت مزبور از امام هادی (ع) است، مُهْمَل و ناشناخته است و رجال شناسان نتوانسته‌اند درباره او آگاهی‌هایی به دست دهند (خویی، ۵۲/۱۹؛ احسایی، ۵/۱؛ عطاردی، ص ۳۶۷) و ظاهراً غیر از همین زیارت جامعه، از طریق وی روایت دیگری از امام هادی (ع) نقل نشده است (خویی، همانجا؛ عطاردی، همانجا).

درباره محمد بن اسماعیل برمکی هم که راوی این زیارت از نخعی است باید گفت: نجاشی وی را «ثقه» و در راه راست دانسته و ابن الغضائری او را «ضعیف» معرفی کرده است. اما برخی از رجال شناسان معاصر به سبب آنکه کتاب منسوب به ابن الغضائری نسبتش به او به اثبات نرسیده، توثیق نجاشی را بلا معارض تلقی کرده‌اند (خویی، ۹۴/۱۵ - ۹۵. نیز نک: محمدتقی مجلسی، ۴۵۲/۵). این توثیق کم‌رنگ می‌تواند تا اندازه‌ای مشکل ناشناخته بودن نخعی را، که راوی کلیدی زیارت مورد بحث است، جبران کند. ولی مشکل دیگری که در راه «تحسین» یا «توثیق» این اسناد به چشم می‌خورد، این است که طریق صدوق به محمد بن اسماعیل برمکی (مشیخه الفقیه، ۵۱۲/۴) ناصحیح است. زیرا درباره مشایخ صدوق در این طریق توثیقی به ما نرسیده است (خویی، ۹۳/۱۵). بنابراین، بر پایه روشهای حدیث شناسان متأخر ظاهراً راهی برای «توثیق» اسناد این زیارت به نظر نمی‌رسد.

باشد (مدیر شانه‌چی، ص ۸۸).

۱. مجهول که از اقسام حدیث ضعیف است، حدیثی را گویند که نسبت به عقیده و مذهب بعضی از افراد سلسله سند آن در کتابهای رجال ذکر نشده باشد و مدح یا قدحی به چشم نخورد (مدیر شانه‌چی، همانجا).

اما از نظر محدثان سده‌های چهارم و پنجم مانند «محمّدون ثلاثه نخستین» که حدیث را فقط به صحیح و غیر صحیح تقسیم می‌کرده‌اند، ظاهراً صحیح یا مقبول به شمار می‌آمده است. زیرا آنان در آن روزگار به سبب نزدیکی به زمان معصومین (ع) قراین مرجّح‌ای در اختیار داشته‌اند^۱ یا این زیارت را در اصول و کتابهای معتبری که در اختیارشان بوده است دیده و بدان اعتماد کرده‌اند. به همین سبب، شیخ احمد احسایی برای اثبات صحّت روایت به عمل صدوق استدلال می‌کند و می‌گوید: «این روایت از نظر ما صحیح است. زیرا صدوق بدان اعتماد کرده و آن را در من لا یحضره الفقیه که میان خود و خدا حجّت قرار داده به ودیعت نهاده است. بنابراین، اعتماد صدوق خود از مرجّحات و از قراین تقویت کننده است. افزون بر آن، فرقه مُحَقِّه [= شیعه امامیه] آن را تلقی به قبول کرده‌اند. بطوری که نه کسی را می‌توان یافت که آن را انکار یا در آن توقّف کرده باشد. بلکه اگر فرد بصیر و ناقد بخواهد بر صحّت آن ادّعیای اجماع کاشف از قول معصوم کند می‌تواند» (احسایی، ۵/۱ - ۶).

گفتنی است که بسیاری از عالمان از باب «تسامح در ادلّه سنن»^۲ خود را از بررسی سندی این قبیل زیارتها بی‌نیاز دانسته یا برای اثبات صحّت زیارت به الفاظ فصیح و تعبیرات بدیع و معارف و مضامین و معارف والایی که در آن زیارتها نهفته است استدلال می‌کنند. چنانکه مجلسی پس از آنکه اسناد این زیارت را «مجهول» ارزیابی می‌کند، بی‌درنگ می‌افزاید: «ولی این زیارت خود شاهدی عادل بر صحّت آن است (ملاذ الاخیار، ۲۴۷/۹). یکی از شارحان زیارت

۱. درباره قراین و شروط صحّت حدیث نزد محدثان قدیم نك: مدیر شانه‌چی، صص ۴۸ - ۴۹ (پاورقی).
 ۲. برای آگاهی از این قاعده نك: ابوالفضل میرمحمدی، «تسامح در ادلّه سنن»، مقالات و بررسیها، دفتر ۴۸ - ۴۷، ۱۳۶۸ هـ. ش. ، صص ۱ - ۱۷.

جامعه در همین خصوص می‌نویسد: «بدان که این زیارت شریفه به بررسی و ملاحظه سند نیاز ندارد. زیرا فصاحت معنا و بلاغت مضمون آن، ما را از جست و جو در کیفیت سندش بی‌نیاز می‌گرداند» (شبر، ص ۴۳). وی همین معنا را در جای دیگر تکرار کرده و نوشته است: «این زیارت مانند *نهج البلاغه* و *صحیفه سجادیه* و بیشتر ادعیه و مناجات‌ها، فصاحت مضمون و بلاغت مدلولش ما را از جست و جو در سندش بی‌نیاز می‌سازد». (پیشین، ص ۴۱). شیخ احمد احسایی با آنکه سند این زیارت را طبق موازین محدثان قدیم امامی صحیح می‌داند، بر صحت مضامین نیز تأکید بسیار دارد. او بر عبارات پیشگفته می‌افزاید: «افزون بر آن، الفاظ و عبارتهای این زیارت از فصاحت و بلاغت و اسرار و معانی برخوردار است که فرد آگاه به دقایق یقین می‌کند که این از کلام معصوم است و چنین سخنی از غیر معصوم صادر نمی‌شود» (احسایی، ۶/۱. قس: شبر، ص ۳۹؛ خوانساری، ص ۱۰۲). او در عین حال که «از باب تیمن به سنن علما» سند زیارت جامعه را بررسی کرده است (احسایی، ۳/۱ - ۵)، بر بی‌نیازی زیارت مزبور از بررسی سندی تأکید می‌ورزد و می‌نویسد: «این زیارت جامعه میان شیعیان شهرت دارد. بطوری که به سبب اشتهارش از بیان سند و اثبات صحتش بی‌نیاز است. این زیارت نزد همه شیعیان پذیرفته است و در این باره مخالف و معارضی وجود ندارد. با آنکه مشتمل بر معانی غریب و اسرار دشوار فهم و شگفت‌آوری است که بسیاری از ایشان در غیر این زیارت آن را انکار می‌کنند» (احسایی، ۲/۱).

در پایان، ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که مجلسی اول در شرح *من لا یحضره الفقیه* تجربه‌ای را که در رؤیا (میان خواب و بیداری) درباره زیارت جامعه و فضیلت آن برایش حاصل شده است گزارش کرده و آن را از مؤیدات و مرجحات این زیارت شمرده است. او پس از گزارش آن مکاشفه یا رؤیا

می نویسد: «نتیجه اینکه با تأیید صاحب الامر (ع) مرا تردیدی نیست که این زیارت از ابوالحسن الهادی - سلام الله علیه - است و آن کامل ترین و بهترین زیارتهاست. بلکه پس از آن رؤیا، من در بیشتر وقتها امامان را - که درودهای خدا برایشان باد - با این زیارتنامه زیارت می کنم و در عتبات عالیات آنان را جز با این زیارتنامه زیارت نمی کردم» (محمدتقی مجلسی، *روضه المتقین*، ۴۵۲/۵؛ احساسی، ۶/۱ - ۷؛ قمی، ۹۱۱ - ۹۱۲). بنابراین بعید به نظر نمی رسد که مجلسی دوم، به رغم آنکه اسناد زیارت مورد بحث را ضعیف ارزیابی کرده است، با استناد به همین مکاشفه و رؤیای پدرش، آن را «از نظر سند صحیح ترین زیارتهای» قلمداد می کند. البته ناگفته پیداست که رؤیا تجربه ای شخصی است و شاید نتوان در مقام نفی و اثبات چیزی بدان تمسک و استدلال کرد. هر چند برای شخصی که چنین چیزی را تجربه کرده است اطمینان بخش باشد.

۷. نتیجه

فرجام سخن اینکه از رهگذر مطالعه رجال شناختی و بررسی اسناد دو زیارت جامعه کبیره و صغیره و مقایسه احوال راویان موجود در طریق این دو زیارت، بویژه از مقایسه احوال علی بن حسّان راوی کلیدی زیارت جامعه صغیره و موسی بن عبدالله نخعی راوی کلیدی زیارت جامعه کبیره، می توان نتیجه گرفت که زیارت جامعه صغیره نسبت به جامعه کبیره از نظر سند از قوت و استحکامی بیشتر برخوردار است. هر چند که صحّت مضامین ادعیه و زیارتهای خود می تواند برای اهل ایمان اطمینان آور باشد.

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن؛ *الذریعه*، به کوشش علی نقی منزوی، تهران - نجف، ۱۳۴۰ش/۱۹۶۲م.
- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین؛ *عیون اخبار الرضا*، به کوشش سید مهدی

حسینی لاجوردی، قم، ۱۳۷۷ق.

- _____؛ *من لا يحضره الفقيه*، به كوشش على اكبر غفارى، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۴ - ۱۳۹۲ق.
- ابن قولويه، ابوالقاسم جعفر بن محمد؛ *كامل الزيارات*، به كوشش عبدالحسين امينى تبريزى، نجف، ۱۳۵۶ق.
- الامين الحسينى العاملى، السيد محسن؛ *مفتاح الجنات*، الطبعة الثانية، دمشق، بى تا.
- انيس، ابراهيم و ديگران؛ *المعجم الوسيط*، الطبعة الثانية، دار احياء التراث العربى، بيروت، بى تا.
- خمينى، امام روح الله؛ *تفسير سورة حمد*، مؤسسة تنظيم و نشر آثار، تهران، ۱۳۷۸ش.
- خويى، آية الله سيد ابوالقاسم موسوى؛ *معجم رجال الحديث*، الطبعة الثانية، بيروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- ركنى، محمد مهدى؛ *شوق ديدار: مباحثى پيرامون زيارت*، چاپ اول، آستان قدس رضوى، مشهد، ۱۳۶۲ش.
- شبر، سيد عبدالله؛ *با اختران تابناك (ترجمة الانوار اللامعة)*، ترجمه عباسعلى سلطانى، بنياد پژوهشهاى اسلامى، مشهد، ۱۳۶۷ش.
- الشهيد الاول، محمد بن مكى العاملى؛ *المزار*، به كوشش محمود البدرى، الطبعة الاولى، مؤسسة المعارف الاسلامية، قم، ۱۴۱۶ق.
- الطوسى، ابوجعفر محمد بن الحسن؛ *تهذيب الاحكام*، نجف، ۱۳۷۷ق.
- _____؛ *مصباح المتعجد*، چاپ سنگى، مطبعة علمى، تهران، ۱۳۳۸ق.
- عطاردى، عزيزالله؛ *مسند الامام الهادى*، الطبعة الثانية، دار الصنفوة، بيروت، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
- قمى، شيخ عباس؛ *مفاتيح الجنان*، دفتر نشر الهادى، قم، ۱۳۷۸ش.
- الكفعمى، تقى الدين ابراهيم بن على العاملى؛ *المصباح فى الادعية و الصلوات و الزيارات*، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.
- الكلينى، ابوجعفر محمد بن يعقوب؛ *الكافي*، به كوشش على اكبر غفارى، تهران، ۱۳۷۷ق.
- مجلسى، محمداقبر بن محمدتقى؛ *بحار الانوار*، الطبعة الثالثة، دار احياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.

- _____؛ ملاذ الاختیار فی فهم تہذیب الاخبار، به کوشش
سید مهدی رجایی و سید محمود مرعشی، قم، ۱۴۰۷ق.
- _____؛ مرآة العقول، الطبعة الأولى، دار الکتب الاسلامیة، تهران،
۱۴۰۷ق/۱۳۶۶ش.
- _____؛ روضة المتقین، به کوشش سید حسین موسوی
کرمانی و علی پناه اشتہاردی، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور، بی تا.
- _____؛ کاظم؛ درایة الحدیث، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۳ش.
- _____؛ ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان؛ کتاب المزار، الطبعة الأولى، مؤسسۃ الامام
المہدی، قم، ۱۴۰۹ش.
- _____؛ «نگاهی به پاره‌ای از آثار فارسی علامہ مجلسی»، نشریہ دانشکدہ
الہیات و معارف اسلامی مشہد، ش ۱۰، بہار ۱۳۵۳، صص ۱۲۸ - ۱۵۱.
- _____؛ نور، میرزا حسین؛ الفیض القدسی فی ترجمۃ العالمۃ المجلسی، ضمیمہ بحار الانوار
(با مشخصات پیشگفتہ)، ج ۱۰۲.